



محمّد علی غنی: حس بنده بر این است که دانشگاه قبل از این که راه بیافتد باید جا می افتاد...

ص ۵

کلاستان را معکوس کنید...

اولین و مهم ترین نکته در ایجاد کلاس معکوس این است که یک معلم خود به تنهایی موفق به ایجاد محیط یادگیری معکوس نمی شود. نقش خانواده و کادر مدرسه و دیگر همکاران در این راه بسیار مهم و اساسی است...

ص ۱۰

## کارآموزی حلقه ی مفقود کارورزی

کارورزی زمینه کنکاش و جست و جوی شغلی را برای فراگیران مهیا می سازد. این کنکاش شغلی، نیازمند آگاهی و دانش است...

ص ۸

## !!! شعله شعله آ

شهید رجایی در توصیف جایگاه آموزش و پرورش می گوید: "انقلاب ما هیچ وقت به ثمر نمی رسد مگر اینکه آموزش و پرورش ما سامان یابد. اگر معلم داشته باشیم، همه چیز داریم..."

ص ۶

## تربیت سیاسی دانش آموزان

منظور ما از تربیت سیاسی؛ سیاسی بازی، سیاسی کاری و یا نگاه ابزاری و جناحی به دانش آموزان در جهت نیل به برخی اغراض یا اهداف سیاسی نیست...

ص ۱۱



امام باقر علیه السلام به یکی از اصحاب خود، فرمودند:

"یا صالح! اتَّبِعْ مَنْ يُبْكِيكَ وَهُوَ لَكَ نَاصِحٌ وَلَا تَتَّبِعْ مَنْ يُضْحَكُكَ وَهُوَ لَكَ غَاشٍ وَ سَتَرْدُون عَلَى اللَّهِ جَمِيعًا، فَتَعْلَمُونَ"

از کسی که از روی خیرخواهی، با یادآوری عیب هایت، تو را به گریه در آورد، پیروی کن! و از کسی که از روی ناخالصی، تو را به خنده وامی دارد، متابعت مکن! شما، همگی به زودی، بر خدا وارد خواهید شد، آن گاه است که حقیقت می یابید.

همتم بدرقه کهن رای طایر قدس  
که دراز است ره مقصود من نو سفرم



# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مدیر مسئول:  
سردبیر:  
مشاور:  
مدیر اجرایی:  
ویراستار:  
طراح جلد و صفحه آرایی:  
ایده پرداز:  
طراح کاریکاتور:  
عکاس:  
دبیر هیئت تحریریه:  
هیئت تحریریه:

مجتبی خلیلی زارچی  
میلاد شریفی  
سید حسین رضوی خوسفی  
مجتبی خلیلی زارچی  
افسانه کارگر  
مصطفی عادل  
مصطفی عادل  
علی خیاطیون یزدی  
محمد حسن لاله زاری  
میلاد شریفی  
حسین آخوندی، محدثه ابراهیمی، مریم  
بهزادی، مجتبی خلیلی زارچی، فاطمه  
جعفری، سید حسین رضوی خوسفی،  
میلاد شریفی، علی اصغر شریفی، مهناز  
فلاح، مجتبی غلامی زارچ، افسانه کارگر



## فهرست مطالب

- ۴..... سخن سردبیر
- ۵..... مصاحبه
- ۶..... آموزش و پرورش
- ۸..... عمل گرایی در کارورزی
- ۹..... انتقال ارزش ها یا عادت ها...؟! ..
- ۱۰..... کلاستان را معکوس کنید
- ۱۱..... تربیت سیاسی دانش آموزان
- ۱۲..... تکنولوژی آموزشی
- ۱۳..... گردش علمی
- ۱۴..... معرفی کتاب
- ۱۵..... سربازان وطن
- ۱۵..... گرانی
- ۱۶..... علم بهتر است یا دیکته؟! ..
- ۱۷..... اتو رایانه
- ۱۸..... کاریکاتور

از کلیه دست اندکاران این شماره از نشریه به ویژه آقایان محمد علی غنی، عباس  
موحدی نسب، هادی فلاح تفتی، سعید دهقان منشادی، مسعود زارع مهرجردی، محمد  
صادق ملانوری، محمد تقی زاده و خانم شایسته سلیمی سپاس گزاریم؛ امید است صبح  
امید آغازگر نقد منصفانه در دانشگاه فرهنگیان باشد.

ایمیل:

sobhomid95@gmail.com



هراس از نقد در بین دانشجویان، که اصلی‌ترین رکن دانشگاه هستند و کاستی‌ها و مشکلات آن را با گوشت و پوست خود احساس می‌کنند، شده است؛ ترس از دست دادن شرایط و آینده شغلی‌شان است. اکثریت دانشجویان بر این عقیده هستند که اگر هرگونه نقدی بر سیستم و مسئولان داشته باشند امکان به خطر افتادن شرایط شغلی‌شان وجود دارد درحالی‌که واقعیت چیز دیگری است و بی‌شک مسئولان هم به دنبال تربیت معلمانی هستند که مردان و زنانی را تحویل جامعه بدهند تا با رعایت انصاف و اعتدال کاستی‌های کشور را بدون هیچ ترسی به زبان آورند و خواستار رفع و بهبود آن‌ها شوند و این مهم مقدور نخواهد بود جز زمانی که ما معلمان فردای ایران، امروز این روحیه را در خودمان تقویت کنیم.

از آن جا که با شعار چیزی حل نمی‌شود و برای اصلاح جامعه ابتدا باید خودمان را اصلاح کنیم به همراه چند تن از دوستانی که دغدغه پیشرفت دانشگاه فرهنگیان را در سر داشته و دارند تصمیم به برداشتن قدمی هر چند کوتاه و کوچک گرفته‌ایم تا مجموعه‌ای را فراهم آوریم که اساس کارش نقد منصفانه و به دور از غرض کاستی‌ها و کمبودهای موجود در جامعه و به‌طور خاص دانشگاه فرهنگیان باشد و از همین آغاز راه هر موفقیت و پیشرفتی را به دست آوریم مدیون آن عزیزانی می‌دانیم که در مقابل ما بودند و هستند و ما را نقد می‌کنند، براین اعتقادیم که اگر نقد نشویم و مخالفی نداشته باشیم قطعاً اشکالی در کارمان وجود دارد؛ همان‌گونه که قطار ایستاده را کسی سنگ نمی‌زند اما وقتی حرکت می‌کند... به امید صبح‌های روشن تر...



## سخن سردیر

«... نظام مورد خواست علی(ع)

و نظام علوی، نظامی است که به آن درجه از شجاعت و آن درجه از امنیت و آزادی برسد که هر فردی بتواند حق خویش را بدون لکنت زبان در مقابل بالاترین قدرت‌ها بخواهد و حرف خود را بزند. انتقاد و بازخواست و اعتراض در ذات مکتبی است که به نام او انقلاب شده است و در مبنای نظام ما نهفته است... استقلال و آزادی دو پایه‌ی استوار نظام جمهوری اسلامی است. حق آحاد مردم است که بگویند، بدانند و سخن خود را بیان کنند و پرسش و اعتراض خویش را مطرح کنند. در جهان پیچیده‌ی امروز علاوه بر اصل برابری، اصل امر به معروف و نهی از منکر و حق همگانی به خاطر پیچیدگی‌های موجود این حق، ازجمله از طریق نهادهای مدنی، تشکلهای قانونی و وسایل ارتباط جمعی و تأمین ارتباط‌های جمعی و فردی تحقق پیدا می‌کند...» شاید در کنار تمام کاستی‌های موجود در دانشگاه فرهنگیان مهم‌ترین و درعین‌حال منزوی‌ترین



آنان متوجه دانشجویان این دانشگاه است. تجربه نشان داده سیستمی که منصفانه و به‌دور از غرض‌ورزی‌های شخصی نقد شود پیشرفت بهتر و بیشتری خواهد داشت. نهال نوپای دانشگاه فرهنگیان به‌عنوان اصلی‌ترین متولی تربیت معلمان کشور، برای پیشرفت بیش از هر چیزی به نقد منصفانه نیاز دارد تا مدیران و مسئولان مربوطه بتوانند به رفع نواقصی که شاید خودشان به دلیل مشغله کاری یا نداشتن نگاه به سیستم از بیرون در فهم آن‌ها بازمانده‌اند، بپردازند.

خوش بختانه در طول حدود سه سالی که در این دانشگاه تحصیل می‌کنم در بین اکثر مسئولان روحیه نقدپذیری بالایی را احساس کرده‌ام، البته هستند مسئولانی که تحمل دیدگاه مخالف را ندارند و با کوچک‌ترین بهانه‌ای سعی در حذف نظرات مخالف و به وجود آوردن فضایی که کسی جز هم‌فکران و تاییدکنندگان آن‌ها در آن نباشند، دارند. آنچه بیش از این مسئله باعث

## مصاحبه

حس بنده براین است که دانشگاه قبل از این که راه بیافتد باید جا می افتاد ...



آموزش و پرورش مورد توجه قرار نمی گیرد. یکی دیگر از مسائل در مورد سند تحول است، یعنی برخی از مسائلی که در سند تحول وجود دارد، نادیده گرفته شده، برای مثال می توان به تربیت معلم چند مهارتی اشاره کرد، ما اصلاً بحث چند مهارتی را نداریم، اکنون متوسطه دوره اول که معادل راهنمایی سابق است، معلمان چندمهارتی را می طلبد، معلم علوم تجربی، معلم علوم اجتماعی، معلم ادبیات و علوم انسانی و...

یکی از دیگر معضلات این است که معلمانی که دارند تربیت می شوند، برای آن ها بحث بررسی کتب را پیش بینی نکرده اند. ما در دانشگاه مقوله بررسی کتب درسی را نداریم و این یک آسیب است یعنی زمانی که یک معلم به کلاس می رود مبانی را خوانده است در حال که کتب را بررسی نکرده است.

این اولین نکته و مهمترین نکته و مهمترین مسئله دانشگاه بوده و خیلی از آسیب های کنونی ما ناشی از آن است. ورودی های ۹۱ تا سال ۹۳ به کلاس رفتند و بعد سرفصل ها تغییر کرد، الان هم که سرفصل ها به روز شده است، اما باید گفت که نسبت به برنامه قبل به روز است ولی مطابق روز نیست.

امروزه حتی خود دانشگاه فرهنگیان هم به روز نیست، دانشگاه فرهنگیان قصد دارد با یک سیستم قدیمی دانشجویان را برای فردا هدایت کند و این امر امکان پذیر نیست، یکی دیگر از مهم ترین مشکلات هم این است که اساتید به روز نیستند.

بحث دیگر مسئله هیأت علمی است، بحث آموزش، ورود نیروهای اجرایی و عدم هماهنگی بین دانشگاه فرهنگیان و وزارت آموزش و پرورش، مخصوصاً به صورت جزیره ای عمل کردن آن، یعنی الان آموزش و پرورش در بسیاری از موارد، دانشگاه فرهنگیان را مال خودش نمیداند، یعنی دانشگاه فرهنگیان جزیره خود را اداره می کند و آموزش و پرورش هم همینطور، هر چند که برخی همکاری ها را نیز دارند.

در بخش سند تحول و بحث معلم چندمهارتی، بحث نیاز دانشجومعلمان و نیاز

با سلام و تبریک فرارسیدن فصل بهار، پس از هم اندیشی با چند تن از دوستان و همکاران فرهنگی به این نتیجه رسیدیم که خلا یک نشریه انتقادی در دانشگاه فرهنگیان احساس می شود لذا بر آن شدیم که نشریه ای با این رویکرد تاسیس شود.

محور این شماره از نشریه آسیب شناسی دانشگاه فرهنگیان است. چراکه اولین ورودی های این دانشگاه در شرف فارغ التحصیل شدن هستند. سوال این نشریه از شما این است که در یک نگاه تفاوت این دانشگاه را با سایر دانشگاه ها (از لحاظ فعالیت فرهنگی و اجتماعی و با توجه به اینکه جناب عالی فضای دانشگاه های دیگر را تجربه کرده اید) و در وهله دوم از نظر شما آسیب ها و آفت های این دانشگاه چیست؟

حس بنده براین است که دانشگاه قبل از این که راه بیافتد باید جا می افتاد، متأسفانه دانشگاه ما جا نیافتاد و راه انداخته شد. آن راه انداختند و در سه چهار سال آزمون و خطا، آن را پیش بردند، اولین آسیب این است که دانشگاه ما از همان اول به روز نشد، یعنی سرفصل های آموزشی باید به روز می شد و بعد دانشگاه راه می افتاد، اما آن را در یک پروسه کوتاه زمانی به روز کردند، به نظر من



معلمین به عنوان مربی نقش بسیار اثرگذار و کلیدی در جامعه ایفا می کنند و به همین دلیل در دوره های جدید، نظام ها و حکومت های مختلف بیش از پیش به این مسئله توجه می کنند که کلیدی ترین رکن برای دوام یک نظام، آموزش و پرورش و تربیت صحیح نسل جدید آن می باشد.

کشور ما نیز از دیرباز، حتی قبل از انقلاب اسلامی، به وسیله دول استعمارگر تحت تاثیر فرهنگ پذیری در حیطه آموزش و پرورش بوده است و همه تلاش استعمارگران نیز متوجه این مسئله بوده که سبک زندگی و آموزشی غربی، بر این جامعه حکم فرما باشد و نسل های جدید آن پرورش یافته آن فرهنگ باشند تا براحتمال بتوانند سلطه خود را بر آنان حفظ کنند. پس از انقلاب اسلامی و از دست دادن این وزنه سنگین، برای اثرگذاری و باز پس گیری این جایگاه، به جنگ تحمیلی و نظامی روی آوردند که پس از شکست در آن، با فهم این موضوع که از طریق مسائل فرهنگی عمیق تر و بدون هزینه های نظامی می توان جایگاه از دست رفته را در جامعه اسلامی باز پس گرفت؛ تمام توان و ظرفیت خود را در عرصه تهاجم فرهنگی بکار گرفتند. برای تقابل با این تهاجم، نظام آموزش و پرورش و در راس آن معلمین، فرماندهان خط مقدم این جبهه می باشند. مسلمانان همان طور که مقام معظم رهبری فرمودند بنای این تهاجم تا زمانی که دشمن از اثرگذاری بر این نظام نا امید نشود، فرو نخواهد ریخت. پس باید بطور مرتب در

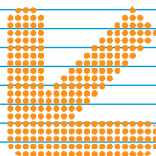
# شش رکن آموزش

نقش در این نظام را معلمین ایفا می کنند. کافی است نگاهی به توصیف بزرگان جوامع مختلف از جایگاه معلم داشته باشیم: امام خمینی(ره): پیشرفت و عقب ماندگی هر کشوری به دست معلمین است. رهبر معظم انقلاب: دست توانای معلم است که چشم انداز آینده ما را ترسیم می کند. بورگه: آموزگار در صف مقدم است و من به او اعتماد دارم و می دانم که با سلاح خود یعنی "کتاب ابتدایی" خود، در صفوف دشمن پیروز می شود. بیسمارک: اگر به جای اسلحه، با آموزگار به جنگ دنیا می رفتیم، همه دشمنان نابود می شدند. دیگر نیاز به توضیح بیشتر نیست که

آموزش و پرورش رکن اصلی تعلیم و تربیت در کشور و موتور محرکه نظام اسلامی در پیشبرد اهداف خرد و کلان آن می باشد. از ابتدای شکل گیری جوامع، همگان بر این نکته واقف بوده اند که برای ثبات جامعه و حکومت، باید فرهنگ آنها در وجود نسل های جدیدشان نهادینه شود تا در آینده، آن فرهنگ و ارزش (چه صحیح و چه غلط) با حفظ ساختار وجودی و البته استفاده از اسلوب های جدید، همچنان با دوام بماند. با این حساب به مرور زمان برای این هدف، ساختارهایی از جمله آموزش و پرورش در شکل سنتی و بعدترها به شکل پیشرفته و امروزی به وجود آمدند. پس با توجه به نقش اثرگذار آموزش و پرورش، بی شک مهم ترین



# شهید رجایی در توصیف جایگاه آموزش و پرورش می گوید: "انقلاب ما هیچ وقت به ثمر نمی رسد مگر اینکه آموزش و پرورش ما سامان یابد. اگر معلم داشته باشیم، همه چیز داریم... ساختمان چیزی نیست که نشود ساخت، این معلم است که ساختنش مشکل است..."



غیروا ما بانفسهم "صراحتاً مصداق اینگونه اعمال است، تا زمانی که آموزش و پرورش، سند تحول بنیادین را سر لوحه کار خود قرار ندهد و صرفاً به اینکه چنین سندی تدوین شده کفایت کند، نباید انتظار هیچگونه تغییر و گام برداشتنی به سوی این تحول را داشت؛ به عمل کار بر آید، به سخندانی نیست.

فعالیت و تلاش یک معلم برای خود سازی باید از معیارهای بدیهی سنجش توانایی یک معلم باشد؛ اما در آموزش و پرورش ما که داعیه دار تحول و رسیدن به حیات طیبه می باشد، صلاحیت و ارجحیت یک معلم را بر اساس تاهل و تعداد فرزندان او می سنجند. پس نمی توان از چنین نظام تعلیم و تربیتی انتظار داشت که خروجی اش آن چیزی باشد که آنها انتظار دارند، چرا که برایش صرفاً، بر روی کاغذ برنامه ریزی کرده اند و در عمل، تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل ...

اما سخن آخر:

آئینه چون نقش تو بنمود راست

خود شکن آئینه شکستن خطاست

معلم است که ساختنش مشکل است... این نگاه راهبردی شهید رجایی به آموزش و پرورش و مقوله ساخت معلم، که عملاً در مراکز تربیت معلم به وقوع می پیوندد، مبتن نقش ارزشمند و کلیدی مراکز تربیت معلم (دانشگاه فرهنگیان) است که نتیجه آن به ثمر رسیدن حقیقی انقلاب اسلامی می باشد.

لذا خروجی دانشگاه فرهنگیان باید نیرویی زنده، فعال، پویا، اثر گذار و خود ساخته باشد و مطابق سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر اساس شایستگی هایش نیز به کار گرفته شود.

اما با همه این تفاسیر، روند و هدفی که شرح داده شد برای اینکه آموزش و پرورش بر مبنای آن بوجود بیاید و طبق آن عمل کند؛ در آموزش و پرورش امروزی ما مدنظر قرار ندارد و عملاً به هیچ یک از بندهای مرتبط با نظام تربیت معلم و تربیت نیروی انسانی در سند تحول بنیادین پس از ۵ سال از تصویب آن توجه نمی شود. - معلمینی که به صرف تاهل بر سایر معلمین ارجحیت دارند!

- معلمینی که توانایی ها و تلاش هایشان برای نمونه بودن هیچ ارزشی در ساختاری که باید روز به روز به سمت بهتر شدن پیش برود، ندارد! پس سوال اینجاست، وقتی بزرگان و متفکران جهان و جامعه بر اهمیت آموزش و پرورش و نقش آن واقفند، چرا افرادی که مسئول برنامه ریزی در آموزش و پرورش هستند خود به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که نقشه راه آن محسوب می شود پایبند نمی باشند؟ آیه شریفه "ان الله لا یغیر ما بقوم حتی

این جبهه، به تقویت و تربیت فرماندهان آن، که وظیفه تربیت نیروهای جامعه را بر عهده دارند، پرداخت.

در این راستا، در سال ۱۳۹۰ پس از چندین سال تحقیق و بررسی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش تصویب و نقشه راه آموزش و پرورش ترسیم شد که هدف نهایی آن رسیدن به حیات طیبه، یعنی تبلور کامل اسلام و اخلاق در متربی و در نتیجه عدم اثر پذیری از فرهنگ های غلط، می باشد.

در این سند سه وظایف و نقش بخش های مختلف یک نظام تعلیم و تربیت اسلامی توجه شده است؛ اما مهمترین بخش آن مسلمان مربوط به وظایف معلمین و بررسی نقش آن ها در تحقق این سند می باشد.

در سند تحول بنیادین، صریحاً به این مسئله اشاره شده است که معلمین باید پویا، فعال، متدین و دارای صلاحیت های حرفه ای برای تدریس باشند و به این مسئله نیز اشاره شده است که تربیت نیروی انسانی مورد نیاز آموزش و پرورش باید از طریق مراکز تربیت معلم، تربیت شده و براساس ویژگی های فردی و اجتماعی و شایستگی هایشان در آموزش و پرورش به کار گرفته شوند. بنابراین، نقش کلیدی دانشگاه فرهنگیان نیز از این طریق مشخص می شود. شهید رجایی در توصیف جایگاه آموزش و پرورش می گوید: "انقلاب ما هیچ وقت به ثمر نمی رسد مگر اینکه آموزش و پرورش ما سامان یابد. اگر معلم داشته باشیم، همه چیز داریم... ساختمان چیزی نیست که نشود ساخت، این



# واهمه پنهان از عمل گرایی در برنامه کارورزی دانشگاه فرهنگیان

کارآموزی حلقه ی مفقود کارورزی دانشگاه فرهنگیان

طراحی آموزشی و دوازده پیش بینی انجام دهند. اینان همان دانشجویانی هستند که قرار است مهرماه سال آینده به کلاس بروند و تدریس کنند اما هنوز هیچ کجا خود را در میدان واقعی عمل قرار نداده و خود را نسجیده اند.

از سوی دیگر شاهد هستیم که کلاس های بعد از ظهر کارورزی، به جا تشکیل نمی شوند و بعضا که تشکیل می شوند به غیر از دل زدگی و خستگی حاصل دیگری برای دانشجویان ندارند، یکی از عوامل مهم این اتفاق، جریان عمل زدایی در کارورزی است.

از نظر نویسنده این مقاله، کارورزی و نحوه اجرای آن باید تغییر کند و از ترم دوم لیسانس با کارآموزی در ترم چهارم، اجرا شود و دانشجویان از ترم دوم به مدارس بروند و مشاهده و بررسی آغاز شود. مبانی روانشناسی و اصولی که فراگرفته اند را در قالب عمل مورد بررسی قرار دهند و کارهایی چون اقدام پژوهی، درس پژوهی و... را انجام دهند. شاید این کار، مشکلاتی را از جمله: کمبود مدارس برای دانشجویان، عدم همکاری اساتید و... را به دنبال داشته باشد اما می تواند راه حل مناسبی برای آن ارائه شود.

حضرت علی (ع) می فرمایند: بدانید که امروز روز آماده کردن اسباب برای اسب دوانی است، و فردا روز مسابقه... بدانید که شما در روز امل به سر می برید... پس هر کس در روزهای امل آرزو به سر می برید که در پی آن اجل و پیش از رسیدن اجل به عمل برخیزد، عملش برای او سودمند و اجل به او زیانی نمی رساند... (البلاغه، ۹۸)

اکنون که دانشجویان در دانشگاه فرهنگیان هستند باید به دادشان رسید، فردا به مدارس می روند و دستشان از دانشگاه کوتاه است.

به امید روزی که آمادگی دانشجویان برای معلمی به بالاترین حد برسد...

به همین شکل باشد و با این کار اسباب یادگیری زمینه محور فراهم گردد.

دومین مسئله این است که در برنامه و نوع فعالیت که برای دانشجویان در نظر گرفته شده، نوعی واهمه از عمل گرایی وجود دارد. ترم اول کارورزی، مشاهده است. دانشجویان باید به مدارس بروند و تعداد صندلی های کلاس، دفتر مدیر و... را بشمارند، بررسی کنند که آیا دفتر معلمان زن از دفتر معلمان مرد جدا هست یا نه؟ وضعیت فیزیکی مدرسه به چه شکل است؟ لباس معلم چگونه است؟ و... همه این ها خوب، اما دانشجوی معلم که در هفته یک روز به مدرسه می رود مسلما در بطن کار قرار نمی گیرد؛ همه ما می دانیم که مهمترین هدف کارورزی این است که دانشجویان یاد بگیرند که معلم خوبی باشند، هر چند که مشاهده گری خوب نیز از ویژگی های یک معلم است اما به معنای تمامیت یک معلم نیست!!! او زمانی که روی صندلی می نشیند شاید برخی از مسائل کلاس را درک کند، اما تمامی مسائل را درک نمی کند و حتی اگر مسئله ای شناخته شود، به راه حل نمی رسد، چرا که "تیزی" به آن ندارد. خلاصه آن که کارورزی در ترم اول بیشتر صورت گزارش ورزی را به خود گرفته است تا کارورزی!

در ترم دوم کارورزی باز با واهمه ای خاص (هر چند که اندکی عمل، چاشنی کار دانشجویان می شود) دانشجویان به سمت طرح نویسی و گزارش نویسی هدایت می شوند. این طرح ها به گونه ای است که دانشجویان را به سمت ایستایی سوق می دهد، نه پویایی! چرا که در آغاز، دانشجویان نمی دانند چه باید انجام دهند و زمانی که به این آگاهی می رسند، تعداد طرح هایی که باید بنویسند به اندازه ای نیست که آن ها را به فعالیت در هر جلسه از کارورزی وادارد، بلکه رسیدن به اهدافی که برای آن ها تعیین شده، باید در یک یا دو جلسه از کارورزی برآورده شود.

ترم سوم کارورزی با طراحی آموزشی صورت می گیرد که دانشجویان می بایست هفت گزارش

حضرت علی (ع) می فرماید: علم تو را راهنمایی می کند، ولی عمل تو را به هدف می رساند (غررالحکم، ۵۳)

چندسالی است که از تاسیس دانشگاه فرهنگیان می گذرد، یکی از ارکان اساسی و تفاوت عمده و حتی یکی از عواملی که سبب شده این مراکز تاسیس شوند، درس کارورزی است. کارورزی زمینه کنکاش و جست و جوی شغلی را برای فراگیران مهیا می سازد. این کنکاش شغلی، نیازمند آگاهی و دانش است، از سوی دیگر این آگاهی و دانش، نیاز به عمل دارد. پس این رابطه، رابطه ای دو سویه و تعاملی است. یعنی هرچه قدر دانش قوی تر باشد، عمل با کیفیت تر است و هرچه قدر بخواهیم دانشی متمایل به حقیقت داشته باشیم، نیاز به عمل داریم.

هالبروک اظهار می دارد که: "آموزش نمی تواند در خلاء اتفاق بیافتد، آموزش نیازمند بافت و زمینه ای است تا برای آن چه به مخاطب می آموزد، دلیل و جایی برای روز مره وی پیدا کند" این حرف هالبروک را یادگیری زمینه ای یا رویکرد زمینه محور می نامند. این مقاله توسط دانشجوی ترم هفت دانشگاه فرهنگیان که سه ترم از کارورزی را پشت سر گذاشته و به عنوان کسی که اهداف، مبانی و برنامه های کارورزی را اجرا کرده است، نوشته شده و به نظرورزی درباره این مهم پرداخته شده است.

در وهله اول این مسئله را مطرح کنیم که شروع کارورزی از سال سوم لیسانس دیر است. بسیاری از مبانی نظری به دانشجویان ارائه شده است (یعنی یادگیری در خلاء صورت گرفته) و آن ها زمانی که به کارورزی می روند دیگر رویکردها و نظریه هایی که ارائه شده بود را، فراموش کرده اند. شاید مسئولانی که این برنامه ریزی را انجام داده اند، فوراً این پاسخ را بدهند که "ما چاره ای نداریم". اما بنده به عنوان دانشجوی می گویم چاره هست! همانطور که دانشجویان رشته پرستاری کار عملی خودشان را از ترم دوم آغاز می کنند، برای دانشجویان نیز می تواند





## انتقال ارزش ها یا عادت ها...؟!!

پختگی با روش سنتی، ارزشیابی سنتی و نظام آموزشی سنتی و کهنه دانشجو معلمان را پرورش می‌دهند و این، خود سد و دیوار بزرگی در راه رسیدن به هدف است و باید گفت نهالی که با خاک کهنه پرورش یابد امیدی به بار آمدن میوه ارزشها در او نیست. برای تغییر، ابتدا باید اساتید معلمان آینده، نظام آموزشی جدید و راهبردهایی را به کار بگیرند که ارزشها در دانشجو معلمان نهادینه شود و با آن خو بگیرند. در این صورت است که ما به نقطه‌ای آغاز می‌رسیم. آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) فرمودند: همه از معلم توقع دارند و دلشان می‌خواهد که این نونهالان، جوانان، کودکان، وقتی رفت به مدرسه با "تربیت معلم" مثل دسته گل در خانواده بدرخشند. با رعایت موارد ذکر شده معلمان آینده به راحتی پاسخگویی توقع خانواده‌ها در پرورش نونهالان و جوانان خواهند بود و ارزش های جدید را در پوست و خون دانش آموزان ریشه‌دار خواهند کرد. دانشجو معلمی که خود علم جوست، ادب را در فضایی مجازی رعایت می‌کند. با مفهوم صرفه جویی آشناست، فرهنگ اسلامی اصیل را داراست و خواسته های جدید را می‌داند، می‌تواند به طور احسن نسل آینده را پرورش دهد و اینجاست که باید تغییر را احساس کرد.

و پرورش فرموداند: "نظام آموزشی ما نظام فرسوده و کهنه‌ای است و باید نوسازی شود".

برای نو شدن باید از نو نهالان شروع کرد. نهالان نظام آموزشی آینده کشور دانشجو معلمان فرهنگی هستند که بیست سال با نظام آموزشی قدیم خو

گرفته‌اند و ممکن است نظام آموزشی قدیم را ادامه بدهند. برای تغییر و به روز شدن باید دانشجو معلمان را کودکانی فرض کرد که لازمه‌ی تربیت نیز کودک، موم و نونهال شدن است. فراموشی و کمرنگ شدن نظام آموزشی قدیم و نهال شدن دانشجو معلمان، فرصت را برای نو شدن فراهم می‌کند. پیترز می‌گوید: "تربیت، انتقال ارزشهایی است

که افرادی آن را پذیرفته‌اند و می‌خواهند به دیگران انتقال دهند" نکته‌ای که خیلی مهم است این است که ارزشی که توسط اساتید منتقل می‌شود با نظام آموزشی جدید هم خوانی دارد یا نه. یکی از نقاط ضعف دانشگاه فرهنگیان استفاده از اساتیدی است که علی‌رغم

یک درخت تنومند و ریشه‌دار، استعداد و کمالی در آن باقی نمانده است تا شکوفا شود. درختی که معلوم نیست از کدام آب و خاک و از کدام هوایی پاک و ناپاک ریشه دوانده، نهادینه کردن ارزشها در او اثری ندارد و دردی را دوا نمی‌کند. او عادت کرده

به روش خود عمل کند. دراصل، تربیت را باید از نونهال کوچک و نحیف شروع کرد تا در آینده میوه‌ی ارزشها را حاصل دهد. مسائل دنیای جدید مثل فرهنگ اسلامی اصیل، اقتصاد مقاومتی، روحیه پژوهشگری، علم جو بودن، ادب در فضای مجازی و صرفه جویی را باید از نو نهالان شروع کرد تا در آینده‌ی نزدیک به آمال و آرزوها دست

یافت. نسل آینده‌ی کشور به‌دست دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان تربیت خواهد شد. پس باید ابتدا مسائل و اهداف جدید را به دانشجو معلمان انتقال دهیم. آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) در سخنرانی خود در جمع معلمان و پیش کسوتان عرصه‌ی آموزش

**برای نو شدن باید از نو نهالان شروع کرد. نهالان نظام آموزشی آینده کشور دانشجو معلمان فرهنگی هستند که بیست سال با نظام آموزشی قدیم خو گرفته‌اند و ممکن است نظام آموزشی قدیم را ادامه بدهند. برای تغییر و به روز شدن باید دانشجو معلمان را کودکانی فرض کرد که لازمه‌ی تربیت نیز کودک، موم و نونهال شدن است.**



# کلاستان را

# معکوس

## کنید...



در آموزش و پرورش امروز به کمک فناوری جدید، تحولی اساسی و انقلابی روی داده است؛ که براساس آن، آموزش محتوا به خارج از کلاس درس منتقل شده است و از آن به عنوان آموزش معکوس (flipped classroom) یا کلاس معکوس (flipped classroom) یاد می‌شود.

ایده کلاس معکوس بر مبنای جابه جایی در زمان آموزشی است و این جابه جایی به معلم این امکان را می‌دهد که از زمان کلاس درس برای فعالیت‌های تمایلی و انجام تکالیف فردی و گروهی توسط دانش آموزان استفاده نماید.

چگونه کلاس خود را به کلاس معکوس تبدیل کنیم؟ اولین و مهم ترین نکته در ایجاد کلاس معکوس این است که یک معلم خود به تنهایی موفق به ایجاد محیط یادگیری معکوس نمی‌شود. نقش خانواده و کادر مدرسه و دیگر همکاران در این راه بسیار مهم و اساسی است و وجود امکانات و پشتیبانی نرم افزاری و سخت افزاری، برنامه ریزی و تهیه محتوای آموزشی مناسب از مهمترین پیش نیازهای این کار می‌باشد.

نکته قابل توجه دیگر این است که معلمی که در این راه قدم بر می‌دارد باید بداند که نمی‌تواند تمام محتوای آموزشی را به صورت آموزش معکوس درآورد و تبدیل کلاس درس سنتی به معکوس باید قدم به قدم و با شناسایی محتوای مناسب برای این امر صورت گیرد. در واقع معلم کلاس درس خود را به ترکیبی از کلاس درس سنتی و معکوس در می‌آورد. با وجود این که اجرای ایده کلاس معکوس ساده به نظر می‌رسد اما برای تبدیل کلاس سنتی به کلاس معکوس باید گام‌های زیر را برداشت:

### گام اول: شناسایی درس‌های مناسب جهت آموزش معکوس

معلم با بررسی موضوعات درسی، بخش‌هایی که دارای ویژگی‌های زیر می‌باشند را جهت آموزش معکوس انتخاب میکند:

- موضوعاتی که دانش آموزان در فهم آنان مشکل دارند.

- موضوعاتی که حفظی نیستند و نیازمند به کارگیری دانش و مهارت از سوی دانش آموزان است.

### گام دوم: طراحی آموزشی

وقتی که موضوع و عنوان درسی مناسبی جهت آموزش معکوس انتخاب شد دو کار باید صورت گیرد:

- طراحی آموزش محتوای دیجیتالی که قرار است خارج از کلاس به دانش آموزان ارائه شود.

- طراحی آموزشی فعالیت‌های کلاسی که دانش آموزان باید در کلاس درس به صورت فردی یا

گروهی انجام دهند و نیز آنچه معلم در این مرحله از کار باید در کلاس درس انجام دهد.

### گام سوم: آماده سازی محتوا

بعد از طراحی آموزشی، معلم باید به عنوان یک ناظر بیرونی با نگاهی از بالا به آنچه قرار است رخ دهد نظری بیندازد تا بتواند میان فعالیت‌های خارج و داخل کلاسی ارتباط برقرار سازد و بر این اساس اهداف آموزشی و فعالیت متناسب با آن‌ها را طراحی کند. محتوای خارج از کلاس یا توسط خود معلم با استفاده از سخت افزارها و نرم افزارهای آموزشی تهیه می‌شود یا با جست‌وجو در نتایج مختلف اعم از اینترنت، تلویزیون، فیلم‌های آموزشی نرم افزارها و... تهیه می‌شود. البته محتوایی که توسط معلم تهیه می‌شود با وجود این که مشابه حرفای نباشد اما بیشتر با نیاز دانش آموزان هم‌خوانی دارد و دانش آموزان ارتباط بهتری با آن برقرار می‌کنند. معلم می‌تواند با استفاده از موبایل یا دوربین، ویدیویی را ساخته و با استفاده از نرم افزارهای ساده ای مثل windows movi maker به ویرایش یا صداگذاری آن اقدام نماید. این ویدیوها به صورت گوناگون می‌تواند در اختیار دانش آموزان قرار گیرد؛ مثلاً در قالب لوح فشرده، بارگذاری در سایت مدرسه، بارگذاری در سایت‌های اشتراک فیلم (مثل آپارات و ...)، ساخت کانال در شبکه‌های مجازی (مثل تلگرام و ...) و قرار دادن فیلم در کانال.

**معلمی که در این راه قدم بر می‌دارد باید بداند که نمی‌تواند تمام محتوای آموزشی را به صورت آموزش معکوس درآورد و تبدیل کلاس درس سنتی به معکوس باید قدم به قدم و با شناسایی محتوای مناسب برای این امر صورت گیرد. در واقع معلم کلاس درس خود را به ترکیبی از کلاس درس سنتی و معکوس در می‌آورد.**

### گام چهارم: پیگیری فعالیت آموزشی در خارج از کلاس

آموزش معکوس یک فعالیت محدود نیست و در واقع چرخه‌ای است که با فعالیت خارج از کلاس آغاز می‌شود و در کلاس درس معلم ادامه پیدا می‌کند و دوباره به خارج از کلاس می‌رود. معلم برای

ثمربخشی بیشتر این آموزش باید دانش آموز را تشویق کند که انجام فعالیت‌های کلاس آموزشی خود را در خارج از کلاس ادامه دهند و بازخورد لازم از آموزش که به صورت معکوس صورت گرفته است، انجام بگیرد تا بتواند از تجربیات بعدی با رفع نواقص احتمالی در ارتقای آموزشی خود استفاده کند.

### کلام آخر...

شاید بتوان اصلی‌ترین مانع ایده کلاس معکوس را معکوس کردن تفکر معلم دانست.

از آنجا که معلمان خود، با روش کلاس سنتی هم تحصیل کرده‌اند و هم آموزش داده‌اند، تغییر رویکرد و روش در این نوع از آموزش سخت و مشکل است اما اگر معلمان بدانند که این شیوه از آموزش با توجه به دسترس بودن منابع گوناگون آموزشی و گسترش شبکه‌ها و رسانه‌های دیجیتالی برای دانش آموزان جذاب‌تر است قطعاً در مسیر تغییر شیوه آموزش خود گام بر خواهند داشت.





# تربیت سیاسی دانش آموزان

**فرایند جامعه‌پذیری که یکی از مهم‌ترین مسائل و اولویت‌ها برای استمرار و تثبیت حاکمیت است، جز به‌وسیله معلمان رقم نخواهد خورد...**



دانش‌آموزان برای اینکه بتوانند به‌جای تفکر فردی و تلاش برای تلقین نظرات خود به بقیه، افرادی جمع‌گرا و انتقادپذیر شوند، باید آن را در مدرسه تمرین کنند و این مهم، جز با فعالیت در نهادهای دانش‌آموزی مختلف در مدرسه تحقق نخواهد یافت.

لازم است که در مورد این‌گونه مسائل در مدرسه «فرهنگ‌سازی» صورت بگیرد و کادر مدرسه و معلمان این انتخابات و مشارکت در امور را جدی بگیرند.

مهم‌ترین عاملی که به نظر می‌رسد در برابر این‌گونه تغییرات مقاومت می‌کند، ذهنیت «کاهش اقتدار مدرسه و معلمان در برابر قدرت گرفتن نهادهای دانش‌آموزی» است.

تمکین دانش‌آموزان به قانون‌مداری و رعایت قواعد و کارهای جمعی، می‌تواند امر آموزش را برای معلمان تسهیل و حتی تسریع نماید، ضمن آن‌که می‌تواند الگویی برای نهادسازی درآیند و در مورد سایر نقش‌های اجتماعی نیز باشد.

## سخن آخر

ما به‌عنوان معلمان آینده‌کشور، شاید نتوانیم اصل نظام آموزشی را متقاعد به گنجاندن آنچه گفته شد در برنامه‌هایشان کنیم اما اگر همه‌ی ما در جامعه‌ی کوچک کلاس‌مان این اصول را رعایت کنیم، بی‌شک در آینده جامعه‌ای جمع‌گرا و انتقادپذیر خواهیم داشت که ترسی از انتقاد شدن و انتقاد کردن نخواهند داشت.

به امید آن روز...

منابع:

آموزش دانش سیاسی، حسین بشریه  
تربیت سیاسی در پرتو اندیشه‌های امام خمینی (ره)، غلامرضا احسانی  
فصلنامه‌ی راه تربیت، علی‌اکبر عطاران

در نظام آموزشی که مهم‌ترین کارکرد آن حافظه محوری و عدم توجه به پردازش مهارت‌های زندگی است، مفاهیمی چون تربیت شهروند و تقویت تفکر انتقادی، کمی نامأنوس یا غیرملموس به نظر می‌آید.

بی‌اعتنایی به این امور و هم‌چنین نقش‌ها و کارکردهایی که دانش‌آموزان در مدرسه باید با تمرین آن‌ها برای پذیرش مسئولیت‌ها در آینده آماده شوند، باعث شده که جامعه ما تابع رفتارهای گروهی و نظام‌مند نباشد و غالب بودن رفتارها و نظرات فردی، بر نقش‌های اجتماعی جامعه، ما را تبدیل به جامعه‌ای کرده که همه‌چیز آن در دقیقه آخر مشخص می‌شود!

## ب) معلمان

فرایند جامعه‌پذیری که یکی از مهم‌ترین مسائل و اولویت‌ها برای استمرار و تثبیت حاکمیت است، جز به‌وسیله معلمان رقم نخواهد خورد.

معلم، به‌عنوان قلب تپنده‌ی نظام آموزشی و هم‌چنین به‌عنوان اولین و بانفوذترین الگوی اجتماعی در سال‌های سازنده زندگی، به‌طور مستقیم با دانش‌آموزان جوان و نوجوان در ارتباط است. آن‌ها به او به‌عنوان یک الگوی کامل و تمام‌عیار می‌نگرند.

در نظام آموزشی ما، تربیت سیاسی از طریق بخشنامه یا دستورالعمل‌های اداری و یک شبه انجام نمی‌گیرد، بنابراین مهم آن است که معلمان خود این مسائل و ضرورت آن را فهمیده و به‌ضرورت کاربست آن، جهت رسیدن به یک جامعه پایدار باور داشته باشند، بنابراین بدون همکاری معلمان، تحول خاصی در وضعیت موجود رخ نمی‌دهد.

## ج) دانش‌آموزان

شاید در میان ما دانشجو معلمان که هرکدام بین یک تاشش ترم در این دانشگاه درس خوانده‌ایم و واحدهای مختلفی را گذرانده‌ایم، مبهم‌ترین بعد تربیت، تربیت سیاسی باشد. این مسئله خود نشان از سهل‌انگاری و بی‌توجهی نسبت به تربیت سیاسی در ابعاد مختلف جامعه است.

در اینجا منظور ما از تربیت سیاسی؛ سیاسی‌بازی، سیاسی‌کاری و یا نگاه ابزار و جناحی به دانش‌آموزان در جهت نیل به برخی اغراض یا اهداف سیاسی نیست. تربیت سیاسی ناظر بر طراحی سازوکار و برنامه‌ای

است که مهم‌ترین وجه آن «تربیت شهروند» و پرورش «تفکر انتقادی» است. بی‌شک زمانی که نظام سیاسی جامعه، هدف‌گذاری درستی در این وجه از تربیت داشته باشد، برخلاف آنچه شاید امروزه در تصور بعضی از افراد است و

تربیت سیاسی و تشویق دانش‌آموزان به انتقاد شدن و انتقاد کردن را زنگ خطری برای آینده کشور می‌دانند، این امر در آینده موجب مشروعیت و مقبولیت بیشتر حکومت، در بین نسل جوان خواهد بود؛ زیرا آنان یاد گرفته‌اند در برابر مسائلی که با آن‌ها روبرو هستند به‌جای بی‌اخلاقی و قانون‌گریزی در چارچوب قانون و ارزش‌های جامعه به مطالبه‌گری معقول بپردازند.

برای داشتن نسل جوانی که بتوان با آرامش خاطر اداره کشور را به آنان سپرد و باوجود آنان آینده‌روشنی را در عرصه سیاسی و مقبولیت و مشروعیت نظام و حکومت کشور در بین مردم و سایر کشورهای جهان انتظار داشت، باید به سه مقوله مهم که بیشترین تأثیر را در تربیت سیاسی دارند توجه کرد که عبارت‌اند از:

## الف) نظام آموزشی

# تکنولوژی آموزشی

یکی از عواملی که برای مقابله با مسائل و مشکلات آموزشی در کشورهای مختلف مورد توجه قرار گرفته است، تکنولوژی آموزشی است. تکنولوژی آموزشی ابزار و روش هایی در اختیار دست اندرکاران تعلیم و تربیت قرار می دهد تا آن ها را برای غلبه بر مسایل و مشکلات آموزشی تجهیز کند. ریچموند؛ تکنولوژی آموزشی را «به کار بستن سیستماتیک اطلاعات علمی در موقعیت یادگیری» می داند.

شکی نیست که امروزه بکارگیری تکنولوژی آموزشی پیشرفته، کارایی و بازدهی تعلیم و تربیت را به مراتب افزایش داده و رنج و زحمت کار را بسیار ناچیز ساخته است.

تکنولوژی آموزشی به عنوان ابزار موثر، کار انتقال تجارب و یافته های علمی را تسهیل ساخته و بدون شک شتاب روز افزون و غیر قابل انتظار بشر در علوم و فنون، خصوصاً در دهه های اخیر، مرمون شناخت و استفاده از شیوه های تازه و بکارگیری ابزارهای آموزشی مدرن، می باشد.

باتوجه به هدف ها و روش هایی که تکنولوژی آموزشی، برای حل مشکلات و افزایش کیفیت آموزشی در نظر گرفته است، دیگر نمی توان آن را مترادف با کاربرد وسایل و ابزار

کمک آموزشی دانست، بلکه تکنولوژی آموزشی مفهومی بسیار گسترده را در بر گیرد که می توان آن را «مجموعه روش ها، تکنیک ها و وسایلی دانست که برای تسهیل یادگیری و افزایش کیفیت آموزش، طراحی و اجرا می شود». تکنولوژی آموزشی در ایران همانند سایر کشورهای در حال توسعه، پیشرفتی نداشته است. بیشتر فعالیت های تکنولوژی آموزشی کشور ما در سال های گذشته، متوجه خرید و بکارگیری وسایل گران قیمت الکتریکی و الکترونیکی سمعی و بصری شده است. نمونه ای از این فعالیت ها در خرید و ایجاد تلویزیونهای آموزشی مدار بسته یا باز، و خرید سایر وسایل آموزشی مانند انواع پروژکتورها، خلاصه می شود. تکنولوژی آموزشی در جوامع پیشرفته برای

فراگیری بهتر علوم، نقش اصلی را بر عهده دارد. یکی از مسائلی که نظام تعلیمی جامعه ما، خصوصاً آموزش و پرورش با آن روبرو است، آشنایی مدرسان و مربیان و همچنین مدیران و مسئولین، باتکنولوژی آموزشی و بکارگیری آن در امر تعلیم و تربیت است و این مشکل همانند دیگر مسائل، ریشه در نظام آموزشی و تربیتی ما دارد. برای استفاده از تکنولوژی های پیشرفته و ابزارهای آموزشی مدرن، باید زمینه را برای ایجاد و انتقال «دید علمی» در جامعه فراهم نمود و اصلاح سازی شیوه های تعلیم و تربیت را سرعت بخشید.

بنابراین باید از تکنولوژی مدرن و ابزارهای آموزشی جدید که دیگر جوامع، تجارب موفق از آنها داشته اند، جهت تقویت بصیرت علمی معلمان و مربیان استفاده نمود و لزوم اصلاح فنون آموزش و تجدید نظر در آن ها را از طریق تکنولوژی برتر، به آنها نشان داد.

آنگاه با در اختیار گذاشتن امکانات و ملزومات لازم از آنان خواست که با روشهای جدید، کار آموزشی را ادامه دهند.

انتقال تجارب موفق دیگر جوامع، در قالب وسایل، ابزارها و دانش

جدید آموزشی، در سالیهای اخیر به علت تحریم های ظالمانه، آنطور که باید و شاید امکان پذیر نبود.

اما کشتی با صلابت نظام با هدایت های رهبر فرزانه انقلاب اسلامی و رهروی عاشقانه ملت و زحمات مسئولین دولت اعتدال، در این روزها به ساحل آرامش رسیده و وعده الهی که (ان مع العسر یسر) به حق محقق گردید؛ در توافقی تاریخی هسته های صورت گرفته دنیا به ایران و ملت و رهبری تعظیم کرد. این واقعه مهم و تاریخی، پیروزی حق و منطق بر باطل و زور را به نمایش گذاشت. که از تاثیرات آن بر تکنولوژی آموزشی می توان به موارد زیر اشاره کرد: - بهره گیری از فناوری اطلاعات مدرن و

رایانه ای برای ارتقای سطح دانش و بینش معلمان، کارکنان و کارمندان آموزش و پرورش با ورود تکنولوژی های جدید آموزشی - سازگار کردن هر چه بیشتر فعالیت های آموزشی مدارس با واقعیت های جامعه و نیازهای برنامه های توسعه کشور به ویژه شرایط پس از بحرام و ارتقای رشد حرفه ای معلمان با واگذاری مستقیم مسئولیت مطابق با توانایی هر فرد در زمینه توسعه همه جانبه کشور

- برقراری و گسترش ارتباط با مراکز پژوهشی و علمی جهان و بهره وری از دستاوردهای آموزشی سایر ملل و تبادل تجربیات علمی و فرهنگی و تربیتی با ملل مسلمان و کشورهای دوست.

مجهر شدن معلمان به روش های نوین و فناوری روز، به منظور ارتقای سطح کمی و کیفی تعلیم و تربیت با ورود هیات های فرهنگی و آموزشی سایر کشورها و مبادلات علمی حاصل از آن در پسا برجام، نشان دهنده ای این است که می توان با ورود فناوری های نوین، علاوه بر افزایش دسترسی، توانمندی های خود را نیز ارتقا بدهیم.

**بنابراین باید از تکنولوژی مدرن و ابزارهای آموزشی جدید که دیگر جوامع، تجارب موفق از آنها داشته اند، جهت تقویت بصیرت علمی معلمان و مربیان استفاده نمود و لزوم اصلاح فنون آموزش و تجدید نظر در آن ها را از طریق تکنولوژی برتر، به آنها نشان داد. آنگاه با در اختیار گذاشتن امکانات و ملزومات لازم از آنان خواست که با روشهای جدید، کار آموزشی را ادامه دهند.**







## گردش علمی

ساعت: ۸ صبح

همراه با دیگر دانشجویان سوار اتوبوس شدیم. حالت اضطراب عجیبی تمام وجودم را فراگرفته بود. احساس می کردم قرار است مرا به کشتارگاهی ببرند تا در آن تمام وجودم را قطعه قطعه نمایند. با خود در این اندیشه بودم که چگونه می توانم از خود در مقابل آن ها دفاع نمایم. آری مقصد اتوبوس مدرسه ای بود که همه در آن استثنایی بودند.

هنگامی که به مدرسه رسیدیم تابلوی مدرسه مرا به خود جلب کرد. مدرسه "کودکان استثنایی نشاط". همه دانشجویان بر اثر کنجکاوی که داشتند با سرعت به سمت داخل مدرسه حرکت کردند. در حیاط مدرسه استاد یوسفی منتظر ما بود. وی پس از ذکر چند توصیه ما را به داخل سالن مدرسه هدایت کرد.

**مواجه با اولین کودک استثنایی**

اولین برخورد من در مواجهه با کودکان استثنایی زمانی بود که چند تا از آن ها در سالن مشغول بازی بودند. طرز نگاه آن ها برای من بسیار جالب بود. آن ها تنها به صورت من نگاه می کردند برخلاف انسان های خارج از آن جاکه در ابتدا به نوع شلوار و لباس و ساعت شما نگاه می کنند سپس صورتتان. این اولین استثنای کودکان مدرسه نشاط بود.

**علی اولین دوست من!**

علی اولین کسی بود که توانستم با او ارتباط صمیمانه ای داشته باشم. مشکل او سندرم دان بود. زمانی که کنار او نشستم و به او لبخند زدم و او با تمام وجودش مرا بغل کرد. احساس می کردم می خواهد به من بفهماند که او بخشی از وجود گمشده ی من است که سال ها با دروغ و کینه و نفرت از یاد رفته است. تعجب می کردم از این که چگونه علی کسی را که نمی شناسد این گونه دوست دارد و به او عشق می ورزد. همیشه والدین به فرزندان شان یادآور می شوند که با غریبه ها دوست نشوید به همین دلیل بچه ها از غریبه ها فاصله می گیرند، اما انکار علی آن قدر در دنیای خود غریبه بود تا بتواند تمام غریبه های اطرافش را دوست داشته باشد. این دومین استثنای این کودکان بود.

**نقاشی بچه ها**

هنگامی که از بچه ها خواستم تا برایم نقاشی بکشند، بیشتر آن ها نام و نام خانوادگی خود را برایم می نوشتند و با صدایی محکم و رسا آن را می خواندند. آن ها تنها می خواستند به من بفهمانند که هستند و وجود دارند با تمام مشکلاتی که شاید از نظر ما داشتند. آن ها دوست داشتند ثابت کنند بودنشان در این دنیا مانند تمامی انسان های دیگر دلیلی دارد، برعکس انسان هایی که تنها خود را معیار

انسانیت در نظر می گیرند! سومین استثنای کودکان!

**اپل!**

برای این که بچه ها را ترغیب به کشیدن نقاشی کنم به آن ها می گفتم که اگر برایم نقاشی کنید من هم هر چیزی را که می خواهید برای شما می خرم. جالب است که یکی از آن ها که محمدرضا نام داشت به من می گفت: "من اپل می خواهم"

سخنش برایم جالب بود. او اپل، که به نظرش بزرگ ترین چیز دنیا بود را می خواست، برعکس انسان هایی که باوجود سالم بودنشان به اندک زندگی راضی شده اند! این چهارمین استثنای کودکان بود.

**تابلوی مدرسه**

هنگامی که از مدرسه خارج شدیم تا دوباره به دنیای انسان های سالم بازگردیم دوباره نگاهم به تابلوی مدرسه افتاد. تنها چیزی که به ذهنم رسید این جمله بود: در دنیایی که در آن با انسان هایش هم رنگ نیستی، حتی اگر بهترین هم باشی باز همان جوجه اردک زشتی!



این کتاب، کتابیست مخصوص همه‌ی گروه‌های سنی، از نوجوانان گرفته تا کسانی که سنی از آن‌ها گذشته. از دید نویسنده‌ی کتاب هر ذهنی به‌نوعی به تلنگر نیاز دارد!

این کتاب مبانی اصلی تفکر خلاق را ارائه می‌کند. از آن‌رو که جهان دائم در حال تغییر است، همه‌ی مردم نیاز به کسب مهارت‌های تفکر خلاق دارند. این مهارت‌ها باید تشویق شوند و پرورش یابند.



در این کتاب برای روشن ساختن آنچه که باید درباره‌ی مشکلات یادگیری فراگرفته شود و اینکه چگونه مدارس می‌توانند در رفع این مشکل تأثیر زیادی داشته باشند، بحث شده است. تأکید کتاب بر شناسایی زود هنگام است؛ زیرا مداخله و حمایت بموقع می‌تواند از بروز پیامدهای منفی عاطفی که ناشی از شکست مداوم است، جلوگیری کرده و با آن‌ها را به حداقل برساند. همچنین در این کتاب آمده است که معلمان چگونه می‌توانند بطور مؤثر مشکلات را شناسایی کنند.

در کتاب «مشکلات یادگیری»: آنچه معلمان باید بدانند، مشکلات رفتاری و اجتماعی شدن دانش‌آموزان مبتلا به مشکلات یادگیری مورد بحث قرار گرفته است.

**نام کتاب:** تلنگری به ذهن  
**نویسنده:** راجر فن اک  
**مترجم:** انوشه ضرغام  
**سال انتشار:** ۱۳۹۲، انتشارات منظومه خرد

کتاب تلنگری به ذهن به مقوله‌ی خلاقیت می‌پردازد، خلاقیت در هنر و خلاقیت در زندگی. این کتاب می‌کوشد مخاطبش را از چارچوب‌های ذهنی عادی‌شده و مسیرهای امن امتحان‌پس‌داده، بیرون بکشد و به ماجراجویی وا دارد.

**نام کتاب:** مشکلات یادگیری، آنچه معلمان باید بدانند  
**نویسنده:** پیتروست وود  
**مترجمان:** حبیب‌امانی و فهیمه آروین  
**سال انتشار:** ۱۳۹۳، انتشارات آوای نور

کتاب «مشکلات یادگیری، آنچه معلمان باید بدانند» در قالب ۶ فصل توسط پیتروست وود (از اساتید برجسته در زمینه آموزش است که سابقه تدریس به تمامی گروه‌های سنی را در مدارس، مراکز آموزشی و دانشگاه‌ها دارا می‌باشد. وی جایزه بهترین مدرس را از دانشگاه فلایندرز آفریقای جنوبی و دانشگاه هونگ کونگ به خود اختصاص داده است) نوشته شده، و در سال ۲۰۰۸ منتشر گردیده است.

**نام کتاب:** نظریه انتخاب در کلاس درس  
**نویسنده:** جان‌اتان سی. اروین  
**مترجم:** منا خاطری  
**سال انتشار:** ۱۳۹۲

این کتاب برای آموزگاران نوشته شده‌است که به دنبال موقعیت برنده-برنده در مدیریت کلاس خود و ایجاد محیط آموزشی همیار هستند که در آن دانش‌آموزان و آموزگاران هر روزه با انرژی و اشتیاق با هم روبه‌رو می‌شوند. یادگیری هرگز متوقف نمی‌شود. آموزش دادن نیز یادگیری است. آموزش شامل، آموختن آموزش به

دانش‌آموزان با سبک‌های یادگیری متفاوت، آموختن ایجاد محیطی پرنگیزه برای یادگیری، آموختن روبه‌رو شدن با کوهی از کاغذبازی‌ها و آموختن ایجاد تعادل میان زندگی خصوصی و حرفه‌ای است. برای معلمان، فراز و نشیب‌های سیر آموزشی هرگز متوقف نمی‌شود. اگر آن‌چه فیلسوف فرانسوی، ژوزف ژوبرت گفته حقیقت داشته باشد که در آموزش دو برابر آن‌چه آموزش می‌دهیم، می‌آموزیم. این نکته نیز معنا پیدا می‌کند که معلمان دو برابر دانش‌آموزان‌شان، کامیابی و ناتوانی را تجربه می‌کنند

فرزند هر چه دستورالعمل‌ها بیرونی‌تر باشد، اثرگذاری کمتری در پی خواهد داشت. شاید برای همین، حتی تحصیل کرده‌ترین پدر و مادرها هم در تربیت بچه‌های خودشان، با چالش روبرو می‌شوند.

کتاب تربیت آسیب‌زا در صفحات خود بر آموزش فرایندهای تأثیرگذار بر کودکان توسط پدر و مادر تأکید دارد. این‌که ریشه هر رفتاری از کجا آب می‌خورد و برای اصلاح یک ناهنجاری چگونه نباید رفتار کرد! کتاب در ده گفتار مختلف درباره مباحثی همچون، تربیت دینی، بالندگی در تربیت، تربیت کلامی و عملی، امنیت‌دهی و امنیت‌ورزی صحبت کرده است.

**نام کتاب:** اثرات پنهان تربیت آسیب‌زا  
**نویسنده:** عبدالعظیم کریمی

فرانسوی‌ها ضرب‌المثلی دارند که می‌گوید: "اگر طبیبی بیماری را پنج دقیقه معاینه کند، سه نوع دارو می‌دهد و اگر ده دقیقه معاینه کند، دو نوع دارو می‌دهد و اگر یک ربع، یک دارو و اگر معاینه او بیست دقیقه طول بکشد هیچ دارویی نمی‌دهد." در حقیقت هر قدر معاینه عمیق‌تر می‌شود، تجویز دارو کمتر و پرهیز از اقدام درمانی عجولانه، بیشتر می‌گردد. گویا فرایند تربیت و رابطه والدین یا معلمان با فرزندان نیز از همین ضرب‌المثل تبعیت می‌کند. در قلمرو تعلیم و تربیت





# سربازان وطن

احسان منگلی



در قاموس دفاع از وطن، نام سرباز می‌درخشد. نامی که از همان اوان با سربازیدن همراه است. اتوبوسی حامل کبوتران جلد کوی سربازان وطن، از مبدا مدار ۰۵ کرمان به مقصد مداری نامعلوم در اهواز حرکت خود را آغاز کرد. حرکتی که شروعی دل انگیز با ثبت عکس‌های خاطره انگیز سلفی، و پایانی غم انگیز داشت. گردانی سرباز بر مرکبی سوار شدند، اتوبوس قلب جاده‌ها را می‌شکافت و در پیچ و خم جاده‌های کوهستانی، به حرکت خود ادامه می‌داد تا با آرزوهای مانده به پایان خدمت، لحظاتی نرد عشق ببازند. هنوز از آمدن کاروان عمر این عزیزان در این دنیا، چند صبحی نگذشته بود و چند منزلی بیشتر نپیموده بودند که ناگاه در دل تاریکی شب، مرکب سواران آرزومند، ناکام ماندند و کتاب عمر تعدادی از خادمان مرز و بوم وطن، بسته شد. همانا در صفحه‌ی شطرنج زندگیشان کیش شدند و جمعی را مات کردند. راست قامتانی که ایستادن در مقابل دشمن و خزیدن در دل معرکه را خوب آموخته بودند اینک بدون ایستادگی، تسلیم تقدیر شدند. سربازان وطن با کوله پشته‌هایی مملو از عشق به دیدار خانواده‌های منتظر می‌رفتند و در این آرزوی دیدار ژرف اندیشی می‌کردند؛ ناگاه اجل شبیه خون زد و آرابه‌ی مرگ این دلیر مردان را در دره‌ای ژرف فرو برد، لکن آنان خود منتظر ماندند تا اینبار ملتی به انتظار آنان بمانند. شاید زمانی دیگر و در جایی دیگر...

بی شک اسم و رسمشان در لوح جان باختگان این مرز و بوم ثبت خواهد شد...  
یادشان گرامی و نامشان جاویدان

# گرافه

مریم بهزادی

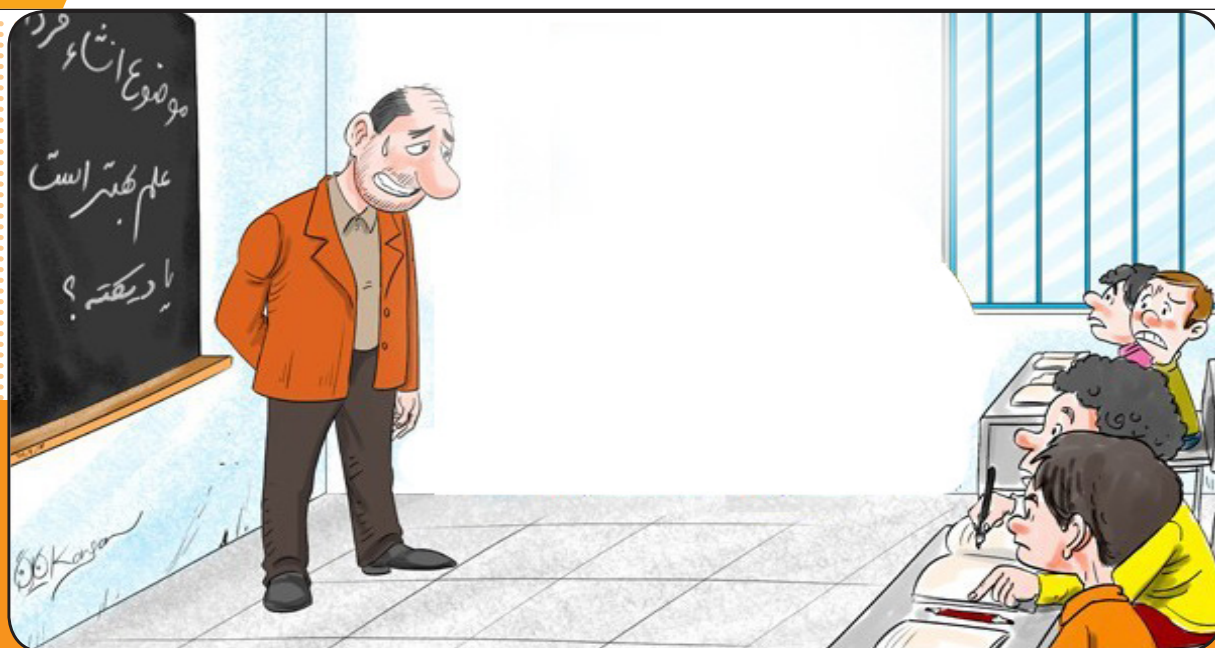


- آره بابا، گرون شده. میوه‌ها کم شده و قیمتا بالا. دیگه تو خونه ی کمتر کسی میشه میوه دید. این مردم هم که می بینی اومدن اینجا می ترسن میوه از این گرون تر شه. حالا تو چی کار داری؟ اومدی میوه های منو بشماری؟

خندیدم. کوله پشتی ام رو از پشت کولم بیرون آوردم. زیپش رو باز کردم و از توش یه پلاستیک پر از میوه بیرون آوردم و گذاشتم روی میز آقای فروشنده. گفتم: "این تغذیه ی دیروز و امروزمه. قول میدم فردا هم بیارم آخه ما تو خونمون خیلی میوه داریم"  
متعجب پرسید: "می خوای میوه هات رو به من بفروشی؟"  
نه، می خوام میوه های شما اونقدر زیاد شه که همه بتونن بخرن!

دست هام رو از تو جیبم بیرون آوردم. قلبم تند تند می زد و دست هام یخ کرده بود. آقای فروشنده رو صدا زدم. یک بار، دوبار، فایده ای نداشت. اون اصلا منو نمی دید. رفتم جلوتر به میز فروشنده چسبیدم. روی نوک انگشت پاهام ایستادم و با صدای بلند گفتم "ببخشید آقا، ببخشید آقا"

آقای فروشنده در حالی که داشت باقی مانده ی پول خانم بغل دستیم رو حساب می کرد، گفت: "جونم بابا، چی می خوای؟"  
نمی دونستم درخواستم رو چطور می باید بیان کنم. بعد از کمی من و من کردن، آروم گفتم: "دیشب تو تلویزیون دیدم یه مرده می گفت میوه خیلی گرون شده، اونقدر گرون که حتی تو مغازه های میوه فروشی هم پیدا نمیشه"



## علم بهتر است یا دیکته؟!!

گرفته‌اند در عرصه ادبیات تنها شعر زیر را ترجمه کنند:

در سر از شوخی نمی‌کنج گل سودای من

خم جایی می‌کند شور فلاطون مرا!

به یادآوریم روزی را که معلم به ما می‌گفت موضوع انشای آینده، "تعطیلات نوروزی را چگونه گذرانید؟"!!! و هنگامی که خاطرات سفرهای نوروزی را در کلاس می‌خواندیم معلم با تعجب به ما خیره می‌شد.



از هزار فرسنگ زیر دریا گرفته تا سفر به کره ماه و جزیره اسرارآمیز، که تنها بخش‌هایی از خاطرات ما بودند! البته که خانه مادر بزرگمان، شبیه هیچ‌کدام یک از این‌ها نبود! امیدوارم با خواندن این مطلب توانسته باشید شیوه‌انسانویسی را به دانش‌آموزانتان یاد بدهید و دانش‌آموزانتان را به تفکر وادارید!

با سپاس از شما عزیزان

از این که مسئولان آموزش و پرورش از این قشر زحمت‌کش چشم‌پوشی نکرده و در فیش حقوقی، سختی کار بیشتری را برای آن‌ها در نظر می‌گیرند!

همیشه دوست داشتم هنگامی که معلم شدم اولین موضوع کلاس انشاء را این سؤال که "کلاس انشایان را چگونه می‌گذرانید؟" قرار بدهم. به نظر می‌آید بهتر از موضوع "در آینده می‌خواهید چه کاره شوید" باشد، زیرا باهوش‌های کلاس که مطمئناً می‌خواهند معلم شوند (صرفاً جهت چاپلوسی) و آن‌هایی هم که تنبل هستند، رئیس اداره بوق!!!

از شوخی که بگذریم کلاس انشاء البته اگر زورش به ریاضی برسد یکی از مفیدترین کلاس‌های آموزشی می‌باشد. کلاسی که بدون در نظر گرفتن هیچ‌گونه نتیجه‌ای تنها تفکر شمارا نشانه گرفته و از شما می‌خواهد به جای جواب به دنبال خلق مسئله بگردید!

اما متأسفانه در کلاس انشاء نیز مانند سایر کلاس‌ها، نتیجه مهم تراز خلق است! چرا که مطمئناً ثروت بهتر از علم می‌باشد و معلم شما بارها این موضوع را به شما متذکر شده است. البته نمی‌توان در این مورد تمام تقصیرها را به گردن معلم‌ها انداخت، چرا که آن‌ها هم، در دوران تربیت معلم، یاد

تصور کنید در انتهای کلاس نشسته‌اید و به انشای تکراری هم‌کلاسی‌هایتان که اینترنت به آن‌ها دیکته کرده است، گوش می‌دهید. معلم بعد از شنیدن انشاهای تکراری، (البته اگر توجهی داشته و نخوایده باشد) خود را موظف می‌داند که از انشای زیبای شما قدردانی و تشکر کرده و از شما درخواست کند تا همین‌گونه به نوشتن ادامه بدهید. جالب است بدانید، در فضای آموزشی دبستان که در کل هفته ۲۵ ساعت هست، شما به دنبال نتایج از پیش تعیین‌شده‌ای هستید که هیچ‌گونه خلاقیتی از سوی شما در بر ندارد! ۲+۲ و انواع معادله‌ها و سؤالاتی که تنها یک جواب برای آن‌ها وجود خواهد داشت!

در این مدت زمان طولانی، تنها چهار ساعت است که در آن هر کار که دلتان می‌خواهد، انجام خواهید داد. کلاس ورزش و کلاس انشاء!

کلاس ورزش را که خودتان می‌دانید؛ معلم زبده‌ی ورزش با مهارت خاصی از شما می‌خواهد که توپ فوتبال را از اتاق مدیر بردارید و آن را به سمت حیاط هدایت کنید! بعد از آن هم نقش تماشاجی را دارد که مانند عقاب به ساعت خود نگاه کرده تا زنگ، به صدا درآید! بسیار خوش حال هستیم





# آتورایانه



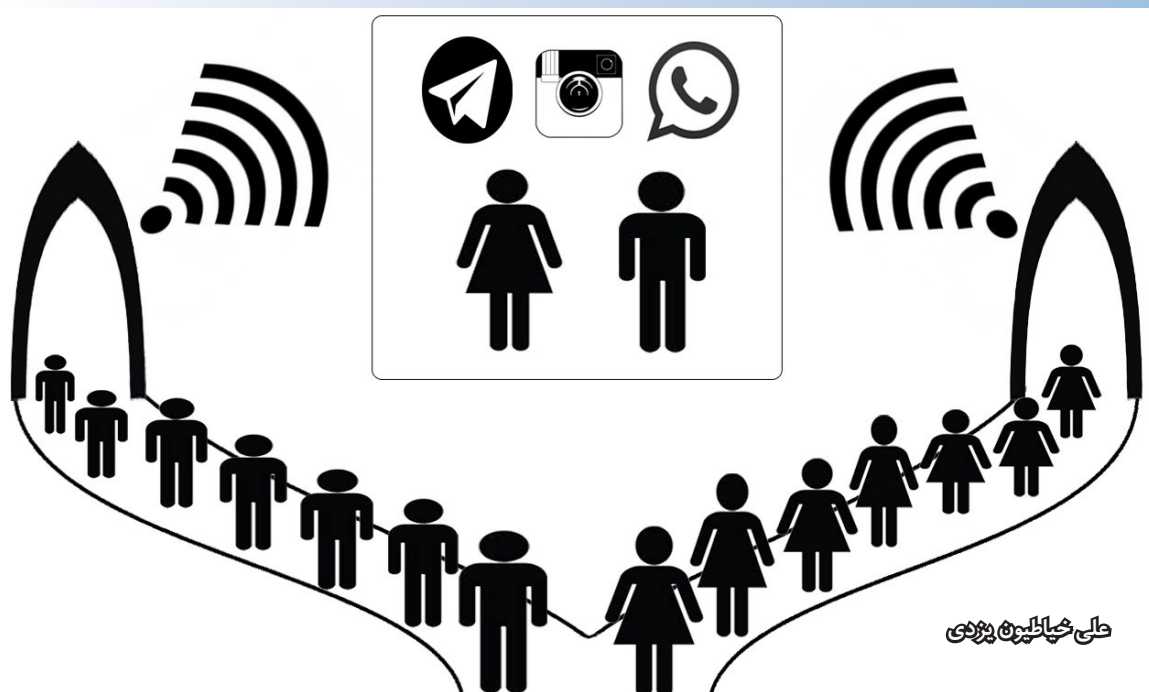
اتوبوس فرسوده ای که در پردیس فاطمه الزهرا یزد به کلاس درس هوشمند تبدیل شد!




دو یزد می‌باشد، دانشگاه ما را به‌عنوان محل پارک خود انتخاب کرده است تا تلافی روزهایی که ما آن را ابوقراضه می‌پنداشتیم سر ما دربیارد. تازه امروز متوجه شدیم یک دستگاه اتوبوس دیگر نیز از طرف آموزش و پرورش ناحیه دو به همین شکل مجهز شده است و گفته‌ها حاکی از آن است که آن اتوبوس مجهزتر از این یکی است و قرار است در خدمت دانش‌آموزان پسر باشد. کسی نیست به مسئولین آموزش و پرورش بگوید، آقا ... خانم ... چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است! مگر دانشجو معلمان که به گفته آقایان قرار است سیستم آموزش و پرورش را متحول کنند، چه چیز از دانش‌آموزان ابتدایی کم دارند؟!

هرگاه که نگاهم به این اتوبوس می‌افتد، داغ دلم تازه می‌شود. یاد روزی می‌افتم که سی‌وچهار نفر مجبور شدیم با یک مینی‌بوس به بازدید علمی برویم و در راه وقتی به پلیس‌راه رسیدیم، مجبور شدیم کف اتوبوس بنشینیم تا پلیس به راننده گیر ندهد! همیشه با خودم می‌گویم، کاش لااقل آن را جلوی چشم ما نمی‌گذاشتند. این اتوبوسی که امروز آن را به این شکل می‌بینید، روزی اتوبوس قراضه منفوری بود که هیچ‌کس به آن نگاه هم نمی‌کرد و ما دانشجویان آن را مایه افت کلاس می‌دانستیم؛ اما هیچ‌گاه تصور نمی‌کردیم روزی کسی پیدا شود و صد میلیون خرج آن بکند و آن را به یک اعجوبه در امر آموزش تبدیل کند. آن اتوبوس قراضه امروز تبدیل به کلاس درس هوشمند شده و آماده خدمت‌رسانی به مدارس است که کلاس هوشمند ندارند. این اتوبوس که متعلق به آموزش و پرورش ناحیه









مدعی خوارست که از بیخ کندیشه ،  
غافل از آنکه خدا هست در اندیشه ،



بهترین و محبوب ترین برادران من کسی است که عیوب مرا به من  
اهدا کند و نقائصم را تذکر دهد.  
امام صادق (ع)



شما زرنگیتان این باشد، گفتمان  
عدالت خواهی را فریاد کنید اما انتقاد  
شخصی و مصداق سازی نکنید.

ما  
سبحان